

# واقعیت‌ها در برنامه ریزی محلی

## نکات مهم فرآیند

### برنامه ریزی محلی

اد.بی. پرائتیلا

اشاره: در قسمت‌های قبل، ابعاد مختلف برنامه ریزی در سطوح کلی، ضرورت و اهداف هیئت برنامه ریزی محلی، فرآیند و مسراحل برنامه ریزی، روشهای برنامه ریزی «مشکل - محوری» و «توسعه منابع منطقه ای» و همچنین نکاتی که در انتخاب مناسبترین ویژگیهای فرآیندهای برنامه ریزی بکار میآید مورد بحث قرار گرفت.

در این شماره برخی از واقعیت‌های موجود در برنامه ریزی در سطوح محلی، مانند عدم پاسخگویی شرایط اطلاعاتی برای برنامه ریزی، تمرکز تعیین و تخصیص هزینه‌های عمومی در طرحهای تهیه شده توسط هیئت‌های محلی توسعه تحت نظر دولت، فقدان افراد خبیره و کارآزموده در برنامه ریزی محلی، توجه افراد محلی به نتایج قابل حصول طرح در مدت زمانی کوتاه و... اشاره گردیده و آنگاه محتوی طرح توسعه محلی مورد توجه قرار می‌گیرد و سپس به نکات مهم یک فرآیند برنامه ریزی برای برنامه ریزی محلی شامل: شناسایی پروژه‌ها و برنامه‌های حائز اولویت تعیین مسئولیت‌های اداره و اجرایی برای برنامه‌ها و پروژه‌های شناسایی شده - تعیین بودجه و منابع سرمایه - تعیین اهداف برنامه ریزی - ایجاد یک سیستم برای مشارکت عامه هم در برنامه ریزی و هم در اجرای فعالیتهای توسعه اشاره شده، در این شماره مرحله اول از فرآیند برنامه ریزی تحت عنوان «شناسایی پروژه‌ها و برنامه‌ای حائز اولویت» مورد بحث قرار می‌گیرد.

● صرف نظر از دقت‌های معمول،  
تئوریک مقوله مفاهیم و محتوای طرح،  
شواهد قوی دال بر پذیرش این نکته وجود  
دارد که آنچه که مردم محلی از طرح  
توسعه محلی انتظار دارند، راه حل  
ضروری‌ترین مشکلات آنها در کوتاه  
مدت و دستیابی به استانداردهای  
بالا تری از زندگی، در دراز مدت است.

در بخشهای گذشته، طبیعت، اهداف و فرآیندهای برنامه ریزی محلی را بررسی نمودیم. مشاهده گردید که برنامه ریزی محلی به منظور وسعت بخشیدن به حوزه توانایی برنامه ریزی ملی و منطقه ای - پیوند بالا با پائین - و برای اینکه فعالیتهای محلی توسعه، در بطن اهداف، جهت گیری ها و سیاستهای ملی باشند - پیوند پائین بیالا - بکار گرفته میشود. فرآیندی که بوسیله آن طرحهای محلی فورمول بندی میشوند، یک پیوستگی و تبعیت را به روش های برنامه ریزی مرسوم یا جامع، که نیازمند مقادیر قابل ملاحظه ای از داده ها و تخصص ها در سطوح محلی است، توصیه می نماید. این بخش سعی در به اثبات رساندن این ادعا دارد که، یک روش برنامه ریزی حقیقت گرا، نه تنها باید تخصص های اداری اجرایی و فنی را در نظر بگیرد، بلکه باید محدودیتهای مالی و زمانی در سطح محلی را نیز به حساب آورد. بنابراین، تلاش خواهد شد که یک روش برنامه ریزی که واقعیت های سطوح محلی را در برمیگیرد، بوجود آید.

### واقعیت ها در برنامه ریزی محلی

۱- در برنامه ریزی محلی ما مجبور نیستیم از هیچ شروع کنیم؛ اساساً، این بدان مفهوم است که مشکلات توسعه محلی، در اکثر کشورها به بحث گذارده شده و سیاست هایی در ارتباط با توسعه نواحی روستایی، وجود دارد. در نتیجه، انتظار می رود که در برخی مناطق، اگر نه همه آنها، پروژه های توسعه در حال اجرا یا پیشنهاد شده، وجود داشته باشد. غالباً، مردم از چنین پروژه هایی در سطوح محلی آگاهی ندارند و به ندرت یک فهرست واحدی از تمام فعالیتهای توسعه برای یک ناحیه بخصوص در سطح محلی، وجود دارد.

۲- نیاز و شرایط اطلاعاتی برای برنامه ریزی که در راهنماهای برنامه ریزی یافت میشود، به ندرت نیاز سطوح محلی را برآورده میسازد. داده های آماری بهترین وسیله پیش بینی برای طراحان محلی میباشند؛ اما، چون آمارگیری معمولاً هر ده سال یکبار انجام میگردد، مفید بودن آن به نزدیکی داده های آمارگیری به شروع دوره برنامه ریزی بستگی دارد. بطور کلی، عملکرد داده های آمارگیری به عنوان شاخص اطلاعاتی برای ناحیه تلقی میشود. بنابراین، اگر طراحان

• شرحی دقیق از مسائل و فرصتهای مغتنمی که در مناطق محلی یافت می شوند، مجموعه ای از برنامه ها یا پروژه هایی که می توانند راه حلی برای مشکلات شناسایی شده محلی تهیه نمایند، جدول زمانبندی اجرای برنامه ها و پروژه ها همراه با رتبه بندی اولویت ها و بودجه آنها، بیان اهداف توسعه ناحیه و بیان مکانیزمی که از طریق آن مردم محلی می توانند در تلاش های توسعه ای که بوسیله جامعه انجام میگردد شرکت نمایند، محتوای طرح توسعه محلی را تشکیل می دهند.

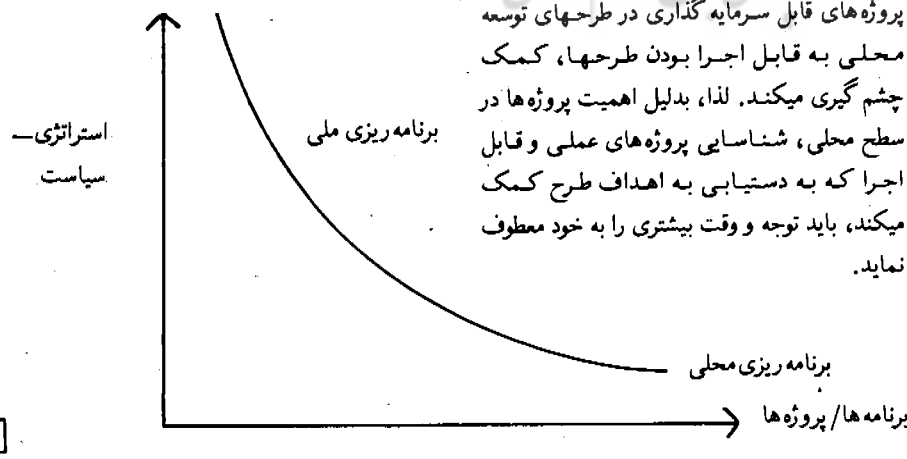
محلی از روش مرسوم تبعیت کنند، یک انتخاب دیگر، اجرای یک بررسی نمونه ای، در ناحیه مشمول برنامه ریزی خواهد بود؛ که این روش ممکن است گران و وقت گیر باشد. دومین روش مناسب، نظرخواهی از رهبران محلی و کارکنان دولتی است.

۳- طرح های تهیه شده توسط هیئت های محلی توسعه تحت نظر دولت، معمولاً بر روی تعیین و تخصیص هزینه های عمومی تمرکز می یابند. در نتیجه، طراحان محلی باید دقت کافی مبذول دارند که چگونه این سرمایه های عمومی اختصاص داده میشوند. تحت شرایط طبیعی و عادی عملکرد یک تشکیلات دولتی، یکی از پایه های این تخصیص بودجه، از طریق برنامه ها و پروژه ها می باشد. بنابراین از نقطه نظر عملیاتی، وجود پروژه های قابل سرمایه گذاری در طرحهای توسعه محلی به قابل اجرا بودن طرحها، کمک چشم گیری میکند. لذا، بدلیل اهمیت پروژه ها در سطح محلی، شناسایی پروژه های عملی و قابل اجرا که به دستیابی به اهداف طرح کمک میکند، باید توجه و وقت بیشتری را به خود معطوف نماید.

اهمیت برنامه ها و پروژه ها در سطح محلی، در ساختار سیاست گذاری دولت در نظر گرفته میشود؛ بدین معنی که، مسئولیت و انجام فورمول بندی و اجرای سیاستها بیشتر به عهده رده های بالاتر تشکیلاتی دولت است. از طرف دیگر، مقامات دولتی محلی از طریق شناسایی، یا درگیر شدن با برنامه ها و پروژه هایی که مطابق سیاست های دولت است، سیاست اتخاذ شده از طرف دولت را به مرحله اجرا در می آورند. این ارتباط و پیوند را ممکن است گسترش و تعمیم داد بطوریکه بتواند برنامه ریزی محلی - ملی را در برگیرد (شکل ۱).

همانگونه که در منحنی مشاهده میگردد، سیاست ها و استراتژی های توسعه به گونه ای بارز در طرحهای توسعه ملی مشاهده میگردند. برنامه ها و پروژه ها را ممکن است ذکر نمود، اما اینها کم و بیش واژه های کلی و عمومی در حمایت از بیانیه های سیاست - استراتژی هستند. اگرچه عناصر و اجزاء سیاست ها - استراتژی ها در طرحهای محلی وجود دارند، اما فشار عمده ای که اعمال میکنند برای شناسایی برنامه ها و پروژه ها، در محتوای سیاستها و استراتژی های توسعه ملی است.

۴- برنامه ریزی محلی عموماً از فقدان افراد خبیره و کارآ، رنج میبرد. این نکته واقعیت دارد اگر چنین پنداریم که در برخی موارد اعضاء و کارکنان برنامه ریزی در سطوح محلی عموماً به عنوان پرسنل در نظر گرفته میشوند، بدین معنی که، مطابق با یک مدیریت دولتی سازماندهی شده اند، اما امکان غیرمفید و غیر اجرایی بودن یک عضو برنامه ریزی محلی را نیز باید در نظر داشت.



۵- وسایل یا ابزار برنامه ریزی پائیز تر از حداقل سطح در برخی موارد در نواحی محلی باشد، اگر چه به ندرت این امر ذکر می‌گردد یا شاید در کتابهای درسی برنامه ریزی بی توجه از کنار آن می‌گذرند، اما عمل برنامه ریزی واقعی نیازمند اطاق، میز، صندلی، ماشین تحریر، ماشین حساب و غیره است. برای فائق آمدن بر این مسئله، میتوان طرحهای محلی را در ادارات مرکزی و وزارتخانه‌های ذیربط، فورمول بندی و تنظیم نمود. این امر این هدف را که در برنامه ریزی محلی باید مشارکت مردم و خبرگان محلی در تنظیم طرح در نظر گرفته شود، نفی می‌نماید.

۶- از نقطه نظر افراد محلی، نتایج، مهمتر از یک سند زیبا است. مؤثر و مفید بودن طرح به محض آشکار شدن پروژه‌ها در روستاهای ناحیه تحت برنامه ریزی محک زده خواهد شد. تجربه نشان میدهد که افق زمانی که در نظر مردم محلی مهم به شمار می‌آید، میتواند بیش از حد کوتاه باشد. یعنی، اکثر آنها ممکن است در حال حاضر به وضعیت اینجا و اکنون علاقمند باشند، اما آنچه که در پنج یا ده سال بعد رخ میدهد ممکن است هیچ اهمیتی برای اکثریت مردم روستایی یا مردم فقیر در کشورهای در حال توسعه، نداشته باشد. با توجه به اینکه برای اکثر آنها مسئله ممکن است بدست آوردن غذا برای امروز باشد، نه برای فردا، این عکس العمل و پاسخ به ارزش زمانی، ممکن است منطقی باشد.

مشاهدات فوق، برای یک فرآیند برنامه ریزی است که لزوماً دقیق و مستقیم میباشد. از این رو، تجزیه و تحلیل رایج، یعنی، تجزیه و تحلیل منابع، تجزیه و تحلیل ارزش و تجزیه و تحلیل محیط، اساساً با استفاده از داده‌هایی که از طرف متخصصین و رهبران محلی تهیه میشود، هنوز اجرا میگردد. در عوض، پروژه‌ها و اهدافی را که مردم طالب رسیدن به آنها هستند توسط طرح مورد تأکید قرار میگیرد.

پیشنهاد درباره افق زمان ترجیح داده شده، چنین ایجاب میکند که توجه جدی به پروژه‌های ضربتی<sup>۱</sup> معطوف گردد. بدلیل اینکه بسیاری از این پروژه‌ها توسط دولت سرمایه گذاری میشوند، همکاری نزدیک طراحان سازمان‌های اجرا کننده و دوایر دولتی محلی بسیار مهم و بحرانی خواهد

بود. البته جنبه‌های سیاسی برنامه ریزی محلی، نمی‌تواند نادیده و کوچک شمرده شود.

اولاً بدلیل اینکه جزئی از برنامه ریزی سیاست است و ثانیاً بدلیل اینکه اکثر تصمیماتی که در رابطه با برنامه ریزی و اجرا گرفته می‌شود، در چهار چوب سیاسی به بهترین صورت، مورد بررسی قرار می‌گیرند، بنابراین مطلوب است بین بخش فنی برنامه ریزی، که کمتر تحت تأثیر عوامل خارجی و سلیقه‌های فردی است، و جزء سیاسی برنامه ریزی که معمولاً بیش از همه اجزاء تحت نفوذ سلیقه‌های شخصی و عوامل بیرونی است تعادلی ایجاد شود. این تعادل بخودی خود به یک نقطه در امتداد یک حوزه از ترکیبات، محدود

**• نکات مهم یک فرآیند برنامه ریزی برای برنامه ریزی محلی شامل موارد ذیل است:**  
**شناسایی پروژه‌ها و برنامه‌های حائز اولویت، تعیین مسئولیتهای اداری و اجرایی برای برنامه‌ها و پروژه‌های شناسایی شده، تعیین بودجه و منابع سرمایه، تعیین اهداف برنامه ریزی و ایجاد یک سیستم برای مشارکت عامه، هم در برنامه ریزی و هم در اجرای فعالیتهای توسعه.**

نمی‌گردد، بلکه بیشتر به فاصله‌های زمانی شخصی محدود می‌شود.

از نظر کمیت، مشکل است که چنین فاصله‌های زمانی را تعریف نمود، اما سلطه هر کدام از برنامه ریزی فنی یا سیاست، در اجرای پروژه برای مردم مناسب نمی‌باشد. ساختار سیاسی در سطح محلی غالباً به عنوان یک عامل بازدارنده توسعه به حساب می‌آید. بطور اخص، موضوعی که مطرح می‌گردد این است که ساختار سیاسی، بکارگیری منابع و تمرکز آن بر یک گروه معینی از مردم را، ترغیب می‌کند. این طبقه مورد نظر روشنفکران سیاسی و افرادی که از نظر اقتصادی در وضعیت خوبی بسر می‌برند، می‌باشند. به عنوان مقوله‌ای از برابری و ارجحیت، این مطلب یکی از نکات اصلی است که در برنامه ریزی مورد توجه قرار می‌گیرند. زمانیکه

طراحان با ارجحیت‌های قابل توافق روبرو هستند، این مشکل وجود ندارد. اما هنگامیکه حق امتیازهای متضاد و مخالف، یعنی، نیازها، آرزوها و خواست‌های مردمی که در ناحیه تحت برنامه ریزی هستند، مورد توافق قرار نمی‌گیرد، این مسئله ظاهر می‌شود. اگر تفاوت‌ها در اولویت، به مصالحه گذاشته شود، برنامه ریزی با شکست روبرو می‌گردد.

اولین وظیفه یک گروه محلی برنامه ریزی هنگامیکه با وضعیت فوق روبرو می‌شود، ایجاد یک جو مصالحه و مذاکره است. به عنوان مثال توجه شود که:

این حق امتیازها توسط کسانی که آنها را تأیید می‌کند، یا توسط کسانی که پیشنهاد می‌کنند برای آنها کار کنند، الزامی تلقی می‌شود. چون کسی از ارجحیت‌های مردم اطلاعی ندارند، آنها این حق را برای خود قائل نمی‌شوند که این ارجحیت‌ها را مطابق با تجربیات خود تغییر دهند. بنابراین، اهداف را تا هنگامیکه بوسیله تجربه تصحیح کرده، یا با دیگران هماهنگ نمایند، بطور موقتی حفظ می‌نمایند. این آگاهی را که حالت ناسازگاری در ارجحیت‌های مردم محلی، اثرات زیانباری در نظام اجتماعی- اقتصادی محلی ایجاد می‌کند، باید با روشنفکران سیاسی و اقتصادی جامعه در میان گذاشت و درباره آن بحث نمود. شاید در این لحظه است که طراحان برنامه ریزی باید با بکارگیری درایت و سیاست، نیروهای اجتماعی- اقتصادی مخالف در ناحیه محلی را بسوی یک هدف مشترک، متحد نمایند.

### محتوای پیشنهادی طرحهای محلی

یک بیانیه اولیه، درباره محتوی طرح توسعه محلی، راه را برای تنظیم یک روش مؤثر و عملی برای برنامه ریزی محلی، هموار می‌کند. به نحوی دقیقتر بیان کنیم: اگر ما دقیقاً برداشت خودمان را از یک طرح توسعه محلی با بیان محتوی، وسعت عملکرد آینده و اهداف آن تشریح کنیم، طراحان برنامه ریزی می‌توانند محدودیت‌ها را در برابر جستجو برای داده‌ها و سایر اطلاعات لازم، بردارند و در عین حال یک \_\_\_\_\_ جمع و جورتر، طراحی نمایند. بدین طریق، قبل از جمع‌آوری و کار کردن بر روی اجزاء و عناصر

یک ترکیب، محصول را مشخص می‌نمائیم. سؤالی که وجود دارد درباره مشخصات محصول است. مشکل این است که، از کجا باید شروع کرد؟ محصولی که ساده به نظر می‌رسید، گمراه کننده و اشتباه‌انگیز است؛ بدین معنی که: این سؤال معیارهایی را که براساس آن محتوای یک طرح توسعه محلی شکل می‌پذیرد، به همراه دارد. روش دیگر کار کردن بدون این معیارها، بررسی نظرات مردم ذیربط درباره مفهوم و محتوای طرح محلی توسعه، و یا داشتن گروه‌های خبره که دور و توالی غیرواضحی را در رابطه با موضوع تجربه کنند، می‌باشد. لزوماً نقطه شروع، جمعیت محلی ناحیه‌ای که مورد نظر برنامه ریزی است خواهد بود.

صرفنظر از دقت‌های معمول تئوریک مقوله مفاهیم و محتوای طرح، شاهد قوی دال بر پذیرش این نکته وجود دارد که، آنچه که مردم محلی از طرح توسعه محلی انتظار دارند، راه حل ضروری‌ترین مشکلات آنها در کوتاه مدت، و دستیابی به استانداردهای بالاتری از زندگی، در دراز مدت است. به عنوان نمونه، در یک ناحیه کوچک از یک کشور در حال توسعه، این مشکلات کوتاه مدت ممکن است از کمبود غذا، آب، خدمات بهداشتی و تسهیلات آموزشی برای فرزندان، تا فقدان جاده‌های روستایی بین مزرعه و بازار فروش، کود، اعتبارات و غیره در یک حوزه، امتداد داشته باشد. مسائل کوتاه مدت، به موقع، به ابعاد درازمدت خود توأم با شرط اضافی قابل وصول بودن عوامل فوق، تبدیل می‌شوند. همچنین، همگرایی احتمالی اهداف توسعه محلی و ملی متناسب با وضعیت درازمدت می‌باشد؛ که این وضعیت است که در خلال برنامه‌های کوتاه مدت به سادگی به دست نمی‌آید.

نکات مورد توجه فوق در سطوح محلی چنین ایجاب می‌کند که دولت‌ها بهتر است حل یا مورد توجه قرار دادن مشکلات محلی را در مقایسه با ارتقاء یا اجرای برنامه‌های ملی در کوتاه مدت، در اولویت قرار دهند. این مطلب ممکن است نیازمند توضیحی باشد، زیرا این موضوع را که طراحان برنامه ریزی ملی و سیاست‌گزاران می‌توانند بحث و استدلال نمایند که برنامه‌های محلی برای حل مشکلات محلی تنظیم شده است، ممکن است با

مشخص نمودن مسائل محل به صورت مسائلی که در محل شناسایی شده و برنامه‌های محلی را بصورت برنامه‌هایی که در محل، منشاء گرفته و آغاز شده، حل نمود. می‌توان دو دلیل اساسی و اصلی برای این نحوه مشخص نمود:

اول، هنگامیکه شناسایی مسئله در سطح محلی آغاز می‌شود، مشخصات گروهی و مکانی مسائل را، می‌توان واضح‌تر ارائه داد؛ دوم، برنامه‌ها و پروژه‌ها که در سطح محلی شناسایی و آغاز می‌شوند پیوند محکم لازم جامعه را، با برنامه‌ها و پروژه‌ها بوجود می‌آورند. نقش تکمیلی و حمایت‌کننده حکومت ملی، در فعالیتهای منشاء گرفته از سطوح محلی، می‌تواند در اجرای موفقیت‌آمیز برنامه‌ها و پروژه‌های محلی توسعه، بسیار کمک نماید.

● **بدلیل اینکه جزئی از برنامه ریزی سیاست است و همچنین به دلیل اینکه اکثر تصمیماتی که در رابطه با برنامه ریزی و اجرا گرفته می‌شود، در چهارچوب سیاسی به بهترین صورت مورد بررسی قرار می‌گیرند، بنابراین مطلوب است بین بخش فنی برنامه ریزی، که کمتر تحت تأثیر عوامل خارجی و سلیقه‌های فردی است، و جزء سیاسی برنامه ریزی، که معمولاً بیش از همه اجزاء تحت نفوذ سلیقه‌های شخصی و عوامل بیرونی است، تعادلی ایجاد شود.**

دومین توقع مهم جمعیت محلی از طرح توسعه محلی، درباره اجرای پروژه‌ها و برنامه‌هاست. این مطلب یک جز منطقی از نیازهای جامعه، برای بدست آوردن نتایج سریع است. این نیاز نیز یک منبع محرومیت و عجز است زیرا شکست‌های گذشته دولت در سطوح محلی نه در برنامه ریزی، بلکه در اجرا بوده است. با این حال اجرا را در تمامیت آن نمی‌توان در طرح، به بحث گذاشت، زیرا در میان دیگران فعالیت‌هایی را بدنال دارد که متعلق به طیف عملکرد سازمان‌های اجرایی است؛ یعنی، اکتساب و تحویل تدارکات مواد، مدیریت نیروی کار، تکنیک‌های ساخت و غیره. آنچه که در طرح‌ها می‌توان بر آن تأکید کرد، ایجاد اطمینان از مسئولیت‌های اداری و اجرایی برای اجرای برنامه‌ها و پروژه‌های شناسایی شده است. برای تحقق این شرط و موقعیت، طرح یک بعد اضافی منی باید. برنامه‌ها و پروژه‌ها دیگر نه بصورت پیشنهادات و توصیه‌ها، بلکه توأم با تعهد سازمانهای مسئول برای تعیین و تخصیص بودجه و در نهایت، برای اجرا ظاهر می‌گردند.

انتظاراتی که مردم محلی از طرح توسعه محلی دارند، می‌تواند بسیار بیشتر از موارد ذکر شده فوق باشد. با در نظر گرفتن موارد بالا به عنوان حداقل توقعات، ما به مسئله ترسیم و تشریح عواملی که به یک طرح توسعه محلی مؤثر کمک می‌کنند، می‌پردازیم.

پیشنهاد می‌شود که حداقل محتوای طرح



توسعه محلی، می تواند بصورت مؤثر به شرح زیر مرزبندی گردد:

۱- شرحی دقیق از مسائل و فرصت های مفتتنمی که در مناطق محلی یافت می شوند.

۲- مجموعه ای از برنامه ها یا پروژه هایی که می توانند راه حلی برای مشکلات شناسایی شده محلی تهیه نمایند، یا از فرصت های مفتتنم موجود در مناطق محلی بهره جویند. این فرصت ها ممکن است به شکل بهره گیری از منابع باشند؛ یعنی منابع طبیعی و انسانی برای پیشرفت ناحیه.

۳- جدول زمان بندی اجرای برنامه ها یا پروژه ها همراه با رتبه بندی اولویت ها و بودجه آنها.

۴- بیان اهداف توسعه ناحیه، به عنوان نتایجی که از اجرای برنامه ها و پروژه های توسعه انتظار می رود.

۵- بیان مکانیزمی که از طریق آن، مردم محلی می توانند در تلاش های توسعه ای که بوسیله جامعه انجام می گیرد، شرکت نمایند.

اکنون ما از محتوای پیشنهادی طرح های توسعه محلی، برای مشخص نمودن فرآیند برنامه ریزی برای توسعه محلی، استفاده می کنیم.

نکات مهم یک فرآیند برنامه ریزی برای برنامه ریزی محلی براساس بخش قبل، ما پنج مرحله اصلی در تنظیم و فورمول بندی یک طرح توسعه محلی را شناسایی می کنیم، که عبارتند از:

۱- شناسایی پروژه ها و برنامه های حائز اولویت.

۲- تعیین مسئولیت های اداری و اجرایی، برای برنامه و پروژه های شناسایی شده.

۳- تعیین بودجه و منابع سرمایه.

۴- تعیین اهداف برنامه ریزی.

۵- ایجاد یک سیستم برای مشارکت عامه هم در برنامه ریزی و هم در اجرای فعالیتهای توسعه.

شرحی مفصل تر برای هر کدام از این اقدامات بطور جداگانه ارائه میشود:

۱- شناسایی برنامه ها و پروژه های حائز اولویت

بعنوان اولین مرحله اصلی در فرآیند برنامه ریزی محلی، شناسایی پروژه ها و برنامه های حائز اولویت، بیشترین اهمیت را دارا است. بدین مفهوم که، معمولاً از طریق برنامه ها و پروژه ها است که به نیازها و آمال در سطوح محلی، بطور یقین پاسخ داده خواهد شد. ثانیاً، این امر یک جنبه و مشخصه حیاتی در برنامه ریزی است، زیرا هر کسی نمیتواند پروژه ها را برای اجرا، شناسایی نماید. فرد یا گروهی که برنامه ها و پروژه ها را شناسایی میکنند باید هم مشروعیت یا حکم قانونی دارا باشند و هم توانایی و قابلیت اجرای کار را در خود ببینند. ثالثاً، از طریق اجرای برنامه ها و پروژه ها است که تحولات پدید آمده توسط فعالیتهای محلی توسعه را، میتوان تحت بررسی و سنجش قرار داد.

شناسایی برنامه ها و پروژه های حائز اولویت باید یک فرآیند رسمی و سازماندهی شده و تشکیلاتی باشد. یعنی، تداوم یک سیستم تعریف شده و قانونی، که در آن تأثیرات متقابل منافع مردم محلی و منافع محلی توأمأ بطور مساوی در نظر گرفته میشود. برای تحقق این امر باید اقدامات خاصی بکار گرفت.

شناسایی برنامه ها و پروژه های حائز اولویت، نیازمند مطالعه و بررسی، بصورت رسمی و یا غیر رسمی میباشد. اطلاعاتی که مسائل مهم و حاد ناحیه تحت برنامه ریزی را برای طراحان می شکافد و همچنین ارزش ها، نیازها و آمال مردم محلی، عواملی هستند که باید در نظر گرفته شوند.

در نتیجه، با این قصد که برنامه ها و پروژه هایی جدید مکمل پروژه های موجود و در حال اجرا خواهند گردید، فهرست مشروحي از این پروژه ها باید تهیه گردد.

فرآیند شناسایی برنامه ها و پروژه ها، امری است که در آن تجربه، شعور کاری و درایت، از یک مدرک مؤسسه آموزشی یا دانشگاه خوشنام و معتبر، در پیشرفت پروژه مفیدتر خواهد بود. یک طراح برنامه ریزی که از خارج ناحیه تحت برنامه ریزی بیاید، معمولاً یک نقطه ضعف به شمار میآید. در اینجا، پیشنهاداتی که وی از موضع ناآگاهی ارائه کند، میتواند مفید باشد.

اگرچه مطالب نوشته شده درباره برنامه ریزی و پیشرفت پروژه، شامل تعدادی پیشنهاد درباره نحوه شناسایی پروژه ها است، اما در واقع هیچ قانون ساده و آماده ای وجود ندارد که ما را مطمئن سازد که پروژه های صحیحی در نظر گرفته شده است. روش معمول برای شناسایی پروژه ها در برنامه ریزی، اولاً، انجام بررسی و تحلیل شرایط موجود ناحیه، شناسایی مسائل، تعیین جهت گیری ها و اهداف و بکارگیری نتایج برای شناسایی پروژه ها میباشد. نقصی در این تکنیک، بخصوص اگر در مورد برنامه محلی بکار گرفته شود، این است که مسائل و در نتیجه پروژه ها بطور قابل ملاحظه ای تحت تأثیر داده های غیر کافی قرار میگیرند. احتمال زیادی وجود دارد که طراحی که از این روش تبعیت میکنند، در دام تجزیه و تحلیل کمی که تلاش زیادی می طلبد، گرفتار آیند، که نتایج آن هیچ اثری بر روی جهت گیری ها، اهداف یا مرحله شناسایی پروژه ندارد.

پروژه ها برای سرمایه گذاری نیز، توسط وزارتخانه های جداگانه شناسایی میگردند. در این نوع شناسایی دو گرایش قابل رؤیت و ملموس وجود دارد: اولاً، پروژه های شناسایی شده معمولاً در جهت عملکرد وزارتخانه ها یا سازمان مربوطه گرایش دارد؛ ثانیاً، پروژه ها در سطوح محلی، معمولاً، از جهت گیری پروژه های شناسایی شده در سطح ملی، پیروی میکنند.

هر دو گرایش فوق الذکر، برخلاف منافع مردم محلی عمل میکنند. اولاً، شناسایی پروژه از طریق عملکردها و وظایف سازمان، لزوماً مطابق با نیازهای مردم نیست. برای مثال: یک وزارتخانه





که مسئولیت گسترش را به عهده دارد، با مسائل توسعه ناحیه، به عنوان یک مشکل گسترش برخورد میکند. اینکه گسترش واقعاً برای توسعه ناحیه، حائز اهمیت است، امر دیگری است. گرایش دوم گاهی جدی و حاد است. زیرا مردم در ناحیه تحت برنامه ریزی ممکن است از آنچه که پیش میآید واقعاً آگاه نباشند و بطور کلی، آنها هیچ ایده و نظری درباره موضوع ندارند.

در این روش شناسایی پروژه، مردمی که در ناحیه وجود دارند، دریافت کنندگان ساده پروژه هستند. علیرغم اینکه به آن احتیاج داشته باشند یا نه. از این رو چون در اکثر موارد فرآیند توسط سایر وزارتخانه ها و سازمانها تقلید و تکرار میشود، نتیجه، یک مجموعه اساساً غیر هماهنگ از پروژه ها در سطوح محلی است. بنابراین، روشی که اثرات نامطلوب روش معمول شناسایی پروژه را به حداقل برساند و در عین حال در همان حوزه دسترسی داده ها، عمل نماید باید یافت گردد. این امر با توجه خود نیازمند برنامه ریزی روشی است که به شرایط اولیه زیر بستگی دارد:

الف - ناحیه تحت برنامه ریزی، یک تشکیلات توسعه، یک مقام مسئول، دفتر برنامه، یا شورا دارد که به نحوی صحیح ایجاد گردیده و علاوه بر وظایف دیگر حکم قانونی برای برنامه ریزی برای ناحیه را دارا است.

ب - هیئت توسعه، سرمایه لازم به منظور تنظیم طرح را، در اختیار دارد.

ج - هیئت توسعه، باید یک ارتباط کاری با سازمانهای ذیربط یا وزارتخانه های اجرایی، سیاستمداران محلی و رهبران غیر دولتی ناحیه داشته باشد. اگر شرایط اولیه فوق بطور جدی نادیده گرفته نشوند، یکی از عملی ترین راههای شناسایی پروژه ها که تعیین کننده اولویت ها و بهبود دهنده پیوندهای بین سازمانی است، دعوت همگان به یک مجمع کاری، برای شناسایی پروژه ها و تعیین اولویت میباشد. بطور کلی موفقیت یک مجمع کاری، مستقیماً به نظارت و جهت گیری که از طرف سازمان دهندگان اعمال میشود، مربوط است. رهنمودها و اقداماتی که مربوط به جهت گیری مجمع کاری است، باید پیش از موعد مقرر در میان شرکت کنندگان تشریح و توزیع گردد تا از شرکت آنان اطمینان حاصل

## به حداقل رساندن اثرات نامطلوب روش معمولی شناسایی پروژه ها نیازمند برنامه ریزی است.

که به شرایط اولیه زیر بستگی دارد: -  
ایجاد یک تشکیلات توسعه با مقام مسئول و دفتر برنامه یا شورا و دارا بودن حکم قانونی برای برنامه ریزی - بودن سرمایه لازم در اختیار هیئت توسعه به منظور تنظیم طرحها - ارتباط کاری هیئت توسعه با سازمانهای ذیربط یا وزارتخانه های اجرایی، سیاستمداران محلی و رهبران غیر دولتی ناحیه

آید، باید از قبل به مؤسسات یا سازمانهای شرکت کننده درباره داده ها یا اطلاعاتی که لازم است به مجمع کاری آورده شود، توصیه گردد.

ضرورت ایجاد این مجمع کاری بین سازمانها بین نظامهای اداری بر این فرض استوار است که، مؤسسات و افرادی که در ناحیه هستند دارای برداشتهای خاصی از مسائل محلی موجود توسعه و حتی راه حل های پیشنهادی مربوطه میباشند در حالیکه تحت یک محیط نظارت شده، طراحان، برداشتهای خود را به بحث میگذارند، آنها میتوانند

● به عنوان اولین مرحله اصلی در فرآیند برنامه ریزی محلی، شناسایی پروژه ها و برنامه های حائز اولویت، بیشترین اهمیت را داراست. بدین مفهوم که معمولاً از طریق برنامه ها و پروژه ها است که به نیازها و آمال در سطوح محلی بطور یقین پاسخ داده خواهد شد.

● فرآیند شناسایی برنامه ها و پروژه ها، امری است که در آن تجربه، شعورکار و درایت، از یک مدرک آموزشی یا دانشگاه خوشنام و معتبر، در پیشرفت پروژه مفیدتر خواهد بود. یک طراح برنامه ریزی که از خارج ناحیه تحت برنامه ریزی بیاید، معمولاً یک نقطه ضعف به شمار می آید.

تصویری از مشکلات توسعه و موضوعاتی را که در ناحیه با آن روبرو هستند ترسیم نمایند. شکل (۲) جریان عمومی این فرآیند و نتایجی را که از آن انتظار میرود، نمایش میدهد.

مهم ترین و بحرانی ترین بخش فرآیند تأثیر پذیر و تأثیر گزار، انتقال و تبدیل مسایل و موضوعات توسعه، به پروژه ها و اولویت دادن به پروژه های شناسایی شده میباشد. اگر مسایل توسعه بصورت مشخص تری بیان شود، انتقال و تبدیل آنها بصورت پروژه آسان خواهد بود. برای مثال: بیان این نکته که، جامعه مشکل بهداشت دارد به هیچ پروژه خاصی نمی انجامد. بعلاوه، چنین مسئله ای شاید در مورد اکثر نقاط جهان صادق است. اما اگر مسایل به روشی مانند، فقدان کانال های تخلیه و فاضلات، فقدان آب آشامیدنی و غیره بیان گردد، آنگاه میتوان پروژه های مربوط و ابعاد آنها را ترسیم نمود. به همین نحو، اگر چه برخورد تئوریک با درآمد سرانه پائین و توزیع نابرابر درآمد، دارای جذابیت است، اما در برخورد عملی با این مسایل بصورت شناسایی پروژه، متأسفانه هیچ چیزی وجود ندارد. اگر پروژه شناسایی شده ای به منظور بالا بردن درآمد سرانه، از طریق کمک و سوبسید غیرتدریجی و کامل، یا از طریق توزیع مجدد درآمد، از روش اخذ درآمدها از افراد متمول، و دادن آن به افراد مستمند باشد، این مورد یک استثناء خواهد بود. با این همه، به نظر نمیرسد که این پروژه ها بصورت طبیعی انجام گیرد، زیرا افزایش درآمد سرانه از طریق سوبسید و اعانات، بسیار هزینه آور است.

برای اینکه با «مسائل» درآمد سرانه کم و توزیع نابرابر درآمدها، به آسانی بتوان برخورد نمود و آنها را تحت نظارت و بررسی قرار داد، باید عمیق تر به آنها نگرست و به علل این «مسائل» پی برد و یا آنها را به اجزاء تشکیل دهنده خود تقسیم و تجزیه نمود. درآمد سرانه کم، ممکن است از تولید پائین در ناحیه، فقدان فرصتهای استخدامی، غیرقابل دسترس بودن ناحیه به نظام بازاریابی و فروش و توزیع کشور و موارد دیگر ناشی شود. سپس امکان دارد که فقدان آن جهت آبیاری، عدم وجود راه های ارتباط دهنده مزرعه به بازار، و ناتوانی کشاورزان در دستیابی به محصولات کشاورزی پرمشرو و سایر محصولات

شکل (۲) - جدول فرآیند ترکیب مسائل و موضوعات توسعه و شناسایی پروژه های حائز اولویت

شناسایی پروژه های حائز اولویت	شناسائی مسائل وموضوعات حائز اولویت	ترکیب مسائل و موضوعات توسعه	دیدگاه هادرباره مسائل وموضوعات توسعه	نتیجه
چند نظامی و مجمع کاری بین بخشهای اقتصادی	چند نظامی و مجمع کاری بین بخشهای اقتصادی	چند نظامی و مجمع کاری بین بخشهای اقتصادی	— سازمانهای دولتی — رهبران سیاسی محلی — سازمانهای غیردولتی — نمایندگان بخشهای اقتصادی — بخش مذهبی — خبرگان منفرد وغیره	فرآیند

مدرن، علل پائین بودن درآمد سرانه باشد. با ارائه مشکلات به این نحو، اکنون میتوانیم پروژه ها را شناسایی کنیم: سیستم آبیاری، اصلاح بذرو گسترش کشاورزی برای مقابله با مشکل درآمد سرانه کم.

بعد از اینکه تمام پروژه های ممکن شناسایی شدند، تعیین اولویت پروژه ها معمولاً مرحله بعدی است که به منظور تنظیم جریان اجرایی پروژه با سرمایه ای که قابل دسترسی است انجام میگردد. به فراخور هر سازمان یا وزارتخانه اجرا کننده، میتوان برطبق یک مجموعه خاصی از قوانین تصمیم گیری پذیرفته شده توسط سازمان به پروژه ها اولویت داد. متأسفانه، اولویت های وزارتخانه یا سازمان، معمولاً موافق و مطابق با اولویت های ناحیه تحت برنامه ریزی نمی باشد و بالعکس این تعارض، عمدتاً مورد توجه قرار نمیگیرند. زیرا هیچ کس از آنچه که دیگران قصد اجرا دارند اطلاعی ندارد. وجود طرحهای محلی توسعه میتواند این شرایط را تغییر دهد. یکی از راه های از سر راه برداشتن و یا به حداقل رساندن این تعارض، معیارهای مشترک برای تعیین اولویت پروژه هاست، بزای حصول به این امر لازم است ابتدا بر روی معیارها و اثرات و مسائل متعاقب هر کدام، به توافق رسید.

مجموعه معیارهای پذیرفته شده که غالباً در تعیین اولویت پروژه بکار گرفته میشود، معمولاً به مطلوبیت اقتصادی و سوددهی ربط دارد. استفاده از نرخ برگشت داخلی، نسبت سود به هزینه،

۲- اطلاعات اساسی و ضروری برای تعیین اولویت پروژه

برگشت قسمتی از سرمایه در تجارت، هزینه کلی، مدت زمانی که سود عاید شده برابر با سرمایه گذاری میگردد، غالباً به عنوان معیارها تلقی میشوند. مزیتی که در استفاده از معیارهای فوق در تعیین اولویت پروژه ها وجود دارد، موقعیت ظاهراً مصون آنها در رابطه با عوامل فردی است که، غالباً در تعیین اولویت پروژه ها ظاهر میگردد. نه به این معنی که ممکن است یک پروژه اجرا شود، بخاطر اینکه اقتصادی ترین پروژه عملی و اجرایی است، بلکه به این دلیل که پروژه به پیشرفت یک شخصیت سیاسی کمک میکند.

برای اینکه بتوان معیارهای فوق را ارزیابی نمود، باید انبوهی از داده ها را جمع آوری کرد، که غالباً تحت شرایط ناحیه کار امکان ندارد بخصوص اگر کسی کارکنان برنامه ریزی آموزش ناپدیده در اختیار داشته و با صدها پروژه درگیر باشد. بنابراین، حتی اگر هیچ کمبود اطلاعاتی و داده وجود نداشته باشد، مدت زمانی که برای سنجش معیارها و اقدامات و آموزش کارکنان، برای اجرای ارزیابی مصرف میشود، باعث تأخیر فعالیتها خواهد شد.

لذا، روش دیگری برای تعیین اولویت پروژه ها در سطوح محلی باید یافت. روشی که میتواند بررسی و پی گیری را تضمین کند، پذیرش و بکارگیری مجموعه ای معیارها براساس اهداف، استراتژی ها و سیاست های طرح توسعه ناحیه است. آنگاه هر معیار، اثری به همراه دارد و به هر

نوع و نام پروژه	شرح، اهداف پروژه و مسئله یا مسائلی که توسط پروژه حل می گردد	مکان و ناحیه ای که پروژه در خدمت آنجا است	هزینه تخمینی	منافع تخمینی	جدول زمانبندی اجرا
-----------------	---	---	--------------	--------------	--------------------

پروژه برطبق امتیازی که از هر معیار بدست میآورد، اولویت داده میشود.

فرض کنید که استراتژی کلی توسعه ناحیه، تأکید بر تدارک خدمات اساسی و پروژه های تولیدی باشد، آنگاه معیارهای زیر ممکن است به میان آیند:

(۱) پروژه به کسب رضایت از حداقل سطح خدمات در ناحیه، کمک میکند؛

(۲) از پروژه، انتظار میرود که، بالاترین سود اقتصادی را بدست آورد.

(۳) پروژه در یک ناحیه ای که از نظر اجتماعی و اقتصادی محروم است، اجرا شود.

(۴) پروژه اثرات ناحیه ای دارد.

(۵) پروژه، هزینه های خود را تأمین و حسابهای خود را تصفیه میکند.

مطابق با اهمیت توافق شده هر کدام از معیارهای فوق، تعهدات و وظایفی را میتوان به هر یک پیوند داد تا نظر و توجه کلی سیاست گذاران و طراحان را در رابطه با توسعه ناحیه به اجرا گذارد. مکانیزم انتخاب تعهدات، و وزنه ها ممکن است از روش De lphi approach صورت گیرد.

در عمل، ممکن است بهتر باشد که با بیشترین تعداد ممکن معیارها آغاز نمود و آنگاه با گروهی از خبرگان آنها را به پنج تا هفت رقم، کاهش داد. همین گروه را میتوان به عنوان هیئت برای اجرای De lphi sey uence در تعیین تعهدات و وزنه هر معیار بکار گرفت.

فرآیند تعیین اولویت پروژه، با بهره گیری از روش فوق، استفاده از هیئت را که فرد فرد اعضاء آن، هم عرض و همگام با طرح توسعه ناحیه و

انشعابات آن است، ایجاب مینماید. لزومی ندارد که تعداد اعضای این هیئت‌ها زیاد باشند، بلکه باید بیانگر و نماینده طیفی از گروه‌های ذریبند در ناحیه تحت برنامه ریزی به حساب آیند.

باید توجه گردد که تعیین اولویت پروژه در طرح فوق بطور قابل ملاحظه‌ای، بر تصمیم نهایی این هیئت تکیه دارد. برای اینکه بتوان درباره امتیازات و لیاقت پروژه قضاوت نمود، اطلاعات مشخص و معینی باید در دسترس هر عضوی از گروه قرار گیرد. این اطلاعات ممکن است نکات زیر را دربرگیرد:

الف - نام و شرح پروژه، ب - محل و ناحیه‌ای که برای آن کار میشود، ج - منافعی که از پروژه انتظار می‌رود، یعنی ارزیابی و تخمین سوددهی، مالی و اقتصادی، د - هزینه پروژه ه - جدول زمان‌بندی اجرایی پیشنهادی. نام و شرح پروژه باید شامل اهداف پروژه و مسئله یا مسائلی را که در نظر دارد حل نماید، باشد.

عواملی که ممکن است طرح فوق را پیچیده نماید هنگامی است که بجای اجرای پروژه به پروژه، تصمیم مبنی بر اجرای پروژه‌ها، بصورت کلی، اتخاذ میگردد. در اینجا بدلیل اینکه پروژه‌های تکمیلی یا تداخلی تأثیر می‌نهند، پروژه‌هایی که از نظر اولویت در سطوح پایینی هستند، بر پروژه‌های ارجح تقدم پیدا میکنند و لذا اجرای آنها تضمین میشود. برای اجتناب از این وضعیت، ممکن است ضروری باشد که قبل از بکارگیری طرح تعیین اولویت برای مجموعه کلی پروژه‌ها، اجزاء و مؤلفه‌های مجموعه را که هر کدام یک پروژه جداگانه هستند، بطور مفصل، مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار داد. جدول ۲ خلاصه‌ای از اطلاعات اساسی را که در روش تعیین اولویت پروژه فوق‌الذکر ضروری است، ارائه میکند.

زیرنویس:

۱- پروژه‌هایی ضربتی به آن‌هایی اطلاق می‌شود که اثر مستقیمی بر اقتصاد محلی داشته باشند و دوره اجرایی کوتاهی دارند. معمولاً این‌ها در درده پروژه‌های کوچک به حساب می‌آیند.

۳- شخص دارای وسیله، اغلب نسبت به اجاره آن (خصوصاً در مورد ماشینهای غیر از تراکتور) اقدام نمی‌نماید، در حالیکه مدت استهلاک و عمر مفید ماشین به طول دوره استفاده هم، بستگی دارد. مبادله ابزار موجب استفاده منطقی تر و اقتصادی‌تر از آنها می‌گردد و در ضمن به جای عاریت دادن آن به دیگران از نیروی کار مجانی یا ماشین دیگری استفاده می‌شود.

۴- مالکیت هریک از اعضا بر وسیله یا ماشین خود محفوظ است و لذا در نگهداری و استفاده صحیح از آن می‌کوشند.

۵- این نوع همیاری که به نظر می‌رسد خصلت حفظ استقلال واحد بهره‌برداری را همراه دارد موجب کاهش هزینه‌های واحد بهره‌برداری، و طبعاً افزایش تولید و درآمد کشاورزان می‌گردد.

۶- موجب توسعه روح همیاری و مودت بین روستائیان گردیده و باعث تحکیم برادری می‌شود و از چشم و هم چشمی و رقابت ناروا در خرید و مسائل کشاورزی می‌کاهد و از داشتن وسیله کشاورزی خصوصاً تراکتور به عنوان یک ارزش اجتماعی جلوگیری می‌کند.

معایب یا محدودیتها

۱- عمده‌ترین ایراد این طرح ممکن است در مرحله اجرا مطرح شود باین ترتیب که به مشارکت و همیاری خودجوش روستائیان بهای لازم داده نشود و بصورت اداری با آن برخورد شود. بدیهی است در این صورت بسیار محتمل خواهد بود که زارعین بدون داشتن شرایط لازم و درک و قبول واقعی چنین همیاری به منظور دریافت ماشین از دولت، تمهد و تقبل هر شرطی را بنمایند (مثل تمهد اعضای مشاع در مورد عدم تقسیم زمین) ولی در عمل نتیجه مطلوب عاید نشود. عمده‌ترین مشکل طرح در اجرای آن است که باید به عنوان طرحی صرفاً آموزشی و ترویجی مطرح شود و وزارت جهاد سازندگی یا وزارت کشاورزی فقط حمایت و ارشاد این طرح را برعهده بگیرند. بدیهی است در صورتیکه مقرر شود این طرح در برنامه آموزش کشاورزی گنجانیده شود، پس از آزمایش نیاز به مروجانی آموزش دیده و آگاه به جزئیات طرح دارد.

۲- محدودیت یا مشکل بعدی نگاهداری حسابها و پیدا کردن شیوه معادل سازی خدمات است، که در مورد اول، در طرح استفاده از شیوه‌های نگهداری حساب توسط خود روستائیان، در نظر گرفته شده و در مورد دوم، شیوه‌هایی ساده و عملی طراحی شده، باین صورت که نسبت هر خدمت به دیگری دقیقاً محاسبه و به روستائیان پیشنهاد گردد، مثلاً یکساعت کار تراکتور که خود صاحب تراکتور رانندگی آن را برعهده دارد مساوی است با یک روز یا دو روز کاریک نفر.

توصیه می‌شود تا قبل از مطالعه کامل و تجربه طرح از اجرای آن در سطحی وسیع خودداری شود. و خلاصه اینکه با توجه ویژگیهای جامعه روستائی ایران در زمینه همیاری بنظر می‌رسد طرح مزبور در مواردی کارساز باشد تا در نظر اهل فن و اجرا چه آید و با این موضوع چگونه برخورد کنند.



زیرنویس:

۱- در مورد شیوه‌های همیاری در جامعه روستائی ایران رجوع شود به مقاله اینجانب در سمینار مشارکت شیراز- سومین کنفرانس روستا، رشد و توسعه مهرماه ۱۳۶۵

۲- رجوع شود به مقاله «واحد تولید گروهی یا مشاعها» از نگارنده، مقاله شماره ۲ گروه آموزشی تعاون دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، خرداد ماه ۱۳۶۴

۳- طرحی در زمینه مطالعه عوامل مؤثر در تعیین حد مطلوب واحدهای بهره‌برداری توسط اینجانب و چند نفر از همکاران تهیه شده است.

۴- رجوع شود به مقاله «عوامل مؤثر در تقطیع اراضی و لزوم یکپارچگی زمینهای زراعی» از نگارنده مقاله، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، ۱۳۶۵. در این زمینه طرحی تحقیقی زیر نظر آقای دکتر منصور وثوقی در دانشکده علوم اجتماعی در حال انجام است و مرکز تحقیقات روستائی نیز در این زمینه طرح مطالعاتی تهیه نموده است.

۵- رجوع شود به گزارش «علل کاهش تولید پنبه» سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۶۴

۶- با اینکه روستائیان مشارکت در چاه عمیق را به دلیل وجود سابقه در اشتراک در منبع آب و نبود چاره دیگر پذیرفته‌اند ولی نسبت به خرید تراکتور یا کمباین یا بذر پاش مشترک روی خوش نشان نمی‌دهند.

۷- تفصیل این طرح و شیوه‌های محاسبه قیمت تمام شده، شرایط هریک از اعضا، اندازه مزارع هریک و... در صورت ضرورت ارائه خواهد شد. زیرا مطالعات نظری مر بوط صورت گرفته است.